

🔗 موضوع: **واره؛ فرهنگ یاریگری و ظهور عاملیت زنانه**

✎ ارائه دهنده: **جناب آقای دکتر میثم مهدیار**

📌 «واره»؛ **نماد کنشگری فعال و بومی زن ایرانی**

🔹 **غلبه گفتمان لیبرال و غفلت از گفتمان جامعه گرا در ایران**

یکی از تقسیم‌بندی‌های علوم انسانی که در ایران چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، تقسیم به دو رویکرد «**لیبرال**» و «**جامعه گرا**» است.

هسته یا دال مرکزی گفتمان لیبرال تلاش می‌کند تا فرد را فارغ از جامعه‌ی خودش مورد بحث و بررسی قرار دهد و عمده‌ی تاکید آن بر خودشکوفایی، رشد و عقلانیت فردی است.

رویکرد جامعه گرا یا محافظه‌کار فرد را در یک ساختار اجتماعی و جمعی معنا کرده و در آن فرد، اولییتی بر جامعه ندارد. در واقع اراده جمعی بر اراده فردی چیره است.

مهم‌ترین شاخصه سیاسی فردگرایی لیبرال مسئله‌ی «**قرارداد اجتماعی**» است که در ایده جان لاک به اوج خودش می‌رسد.

در قرارداد اجتماعی جریان لیبرال، افراد به عنوان سوژه‌های دارای آگاهی و اختیار تصویر می‌شوند و این سوژه‌ها می‌توانند با هم گفتگو کرده، تصمیماتی بگیرند و به آن‌ها عمل کنند.

▼ در جریان جامعه گرا انسان جزئی از یک فرآیند اجتماعی است که وجه تاریخی داشته و در نهادهای اجتماعی مثل دین، خانواده و آموزش ساخته و پرداخته می‌شود. این رویکرد معتقد به خرد ساختاری و تاریخی بوده و در آن انسان در جامعه و تاریخ خود معنا می‌شود.

**جریان گفتمان غالب علوم انسانی در ایران مبتنی بر گفتمان لیبرال شکل گرفته** و سایر حوزه‌ها از جمله مطالعات زنان نیز تحت تاثیر همین گفتمان است.

🔹 **فمینیست‌ها از گفتمان تشابه تا گفتمان تفاوت**

▼ موج‌های اول، دوم و سوم فمینیسم با معیار قرار دادن وضعیت مردانه به عنوان وضعیت مطلوب، درصد رفع نابرابری و نزدیک تر کردن وضعیت زنان به وضعیت مردان بودند. این شکل از فمینیسم، «**فمینیسم تشابه**» نام دارد.

▼ در غرب با موج چهارم فمینیسم مواجه‌ایم که بازاندیشی‌های جدی بر ضد گفتمان لیبرال و تشابه در حوزه‌ی مطالعات زنان داشته است. در همین راستا جریان‌های انتقادی زیادی در این حوزه شکل گرفته که نه تنها بر فردیت و سوژگی زن تاکید نکرده بلکه زن و حتی مرد را درون نهاد اجتماعی خانواده تعریف



می‌کند. پس می‌توان گفت یک رویکرد جامعه‌گرایانه نسبت به زن در این جریان انتقادی وجود دارد. این گفتمان را «گفتمان تفاوت» می‌نامند.

▼ در گفتمان تفاوت فمینیستی، خانواده، تعامل بین زوجین، همکاری و تعاون برای بقا اصل است در آوری نگاه  
حالی که در گفتمان تشابه متأثر از گفتمان لیبرال اصل بر رقابت بوده و مسئله‌ی تنازع بقا و ستیز دائمی نهادن آینده  
انسان با انسان مطرح است.

گفتمان تشابه را می‌توان ذیل ادبیات لیبرال و گفتمان تفاوت را ذیل ادبیات جامعه‌گرا صورت‌بندی کرد. در حوزه‌ی زنان در ایران شاهد سیطره‌ی گفتمان لیبرال و گفتمان تشابه هستیم و در این سال‌ها ادبیات زیادی در همین رابطه ترجمه و تألیف شده است.

### ◆ دکتر فرهادی و نقد فمینیسم

▼ بحث دکتر فرهادی از این حیث اهمیت دارد که بر خلاف تصویر ارائه شده توسط لیبرال‌ها از نظام اجتماعی، مسئله‌ی اصلی و دال مرکزی جهان اجتماعی، تعاون برای بقا عنوان شده و نه تنازع برای بقا.

محور اصلی مطالعات دکتر فرهادی در حوزه‌ی یاریگری و تعاون است که برخلاف تصویر شرق‌شناسان نشان می‌دهد ایرانی‌ها انسان‌هایی مشارکتی و یاریگر بوده‌اند و این تعاون و همکاری آن‌ها مبتنی بر خرد بومی و در پیوند با شرایط اقلیم و بوم آن‌هاست.

یکی از درخشان‌ترین کتاب‌ها در حوزه‌ی مطالعات و تاریخ زنان کتاب «واره» است که پاسخ‌هایی جدی برای گفتمان لیبرال و تشابه ارائه می‌دهد.

▼ ایده‌ی اصلی کتاب در مقابل سه محور قابل طرح است:

- استبداد ایرانی که طبق آن ایرانیان در طول تاریخ ذیل نهادهای سیاسی و اجتماعی استبدادی زندگی کرده‌اند. در حوزه‌ی اجتماعی تجلی آن در مسئله‌ی پدرسالاری و در حوزه‌ی سیاسی مسئله حاکمیت پادشاهان ظالم و ستمگر بوده است.
- انفعال و انقیاد ایرانیان که حاصل از انگاره‌ی استبداد ایرانی است.

- در این بین زنان در ظلم و ستم بیشتری به سر می‌بردند. در واقع زنان هم در جهت انقیاد ظلم پدرسالارانه و هم تحت تاثیر گفتمان سیاسی استبدادی بوده و هر دوی این عوامل باعث می‌شود تا انقیاد و انفعال مضاعفی را نسبت به مردان روستایی و مردان و زنان شهری تجربه کنند.

### ◆ فرهادی در این اثر هر سه انگاره را به چالش میکشد:

- انگاره استبداد ایرانی مبتنی بر نگاه‌های شرق‌شناسانه است.
- نهاد یاریگری یک کلان‌نهاد اجتماعی بوده که در قلمروهای مختلف فرهنگی و اجتماعی وجود داشته است و برخلاف تصویری که شرق‌شناسان دارند، ایرانی‌ها منقاد و منفعل نبوده‌اند. در واقع یک خرد اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر اقتضائات بومی وجود داشته و طبق آن ایرانیان هرکجا نیاز به هم‌افزایی و



کاهش هزینه‌ها اعم از کشاورزی، دامپروری، تولید محصول، روابط اجتماعی و زندگی روزمره داشتند از واره‌ها و یاریگری بهره می‌بردند.

• زنان و خصوصاً زنان روستایی برخلاف تصویرسازی‌های شرق‌شناسانه و برخلاف گفتمان غالب تشابیه و لیبرال در این مسیر پیشرو بودند و خلاقیت‌هایی را با توجه به زیست‌بوم به کار می‌گرفتند. آن‌ها تعاونی‌های روستایی را بدون اجبار و آموزش راه انداخته و از این هم افزایی‌ها به نفع اقتصاد خانواده بهره می‌بردند.

ما همواره در نسبت با بوم و اقلیم یک عقلانیت سنتی در دل نهادهای اجتماعی داشتیم مانند واره، بنه، وقف و نذر. و آن ایده‌ای که می‌تواند ما را به توسعه بومی رهنمون کند، توجه به پتانسیل‌ها و عقلانیت‌های بومی است که با بوم و شرایط اقلیمی نسبت دارد. در غیر این صورت تنها به توسعه‌ی وارداتی خواهیم رسید نه توسعه‌ی بومی.

